

سکوت دریا

ورکور

مترجم

ژرژ پطرسی



نقش‌ما

تهران

۱۳۹۵

Vercors
Le Silence de la mer
Les Éditions de Minuit, Paris, 1942

بروله، ژان مارسل (مشهور به ورکور)، ۱۹۴۲، ۱۹۹۱ م.	سرشناسه:
Briller, Jean Marcel, Vercors	عنوان و پدیدآور:
سکوت دریا؛ ورکور؛ مترجم ژرژ پترسی	مشخصات نشر:
تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۴.	مشخصات ظاهری:
۸۸ ص.	شابک:
ISBN 978-964-209-255-0	یادداشت:
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.	یادداشت:
<i>Le Silence de la mer</i>	یادداشت:
عنوان اصلی:	یادداشت:
کتاب حاضر قبلاً با عنوان خاموشی دریا ترجمه و منتشر شده است.	موضوع:
داستان‌های فرانسوی - قرن ۲۰ م.	موضوع:
جنگ جهانی دوم، ۱۹۳۹-۱۹۴۵ م. - داستان.	شناسه‌ی افزوده:
پترسی، ژرژ، ۱۳۲۳-، مترجم.	رده‌بندی کنگره:
۱۳۹۴ خ ۲ / ۸ / PQ۲۶۴۷	رده‌بندی دیویی:
۸۴۳/۹۱۴	شماره‌ی کتابخانه‌ی ملی:
۴۱۰۲۳۴۸	

سکوت دریا

ورگور

ژرژ پطرسس

مهدی نوری

نازنین دهبیسی

نویسنده

مترجم

ناشر

مکان

بهار ۱۳۹۵

۱۵۰۰ نسخه

چاپ اول

تبراز

سجادی

ارمانسا

صنعت

ساز

مدیر هنری

حروف‌نگار

لینوگرافی

چاپ جلد

چاپ متن و صحافی

شاپک ۰۲۵۵-۲۰۹-۹۶۲-۹۷۸

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



نشر ماهی

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی سینما سپیده، شماره‌ی ۱۱۷۶، واحد ۴

تلفن و دورنگار: ۰۲۵۵ ۱۸۸۸ ۶۶۹۵

www.nashremahi.com

چند نکته

کتاب «انتر ان روی» متن فرانسوی و به یاری برگردان انگلیسی آن به فارسی درآمده است. بخش «درباره‌ی نویسنده» با استفاده از منابع گوناگون، از جمله «جوبلیا» فراهم آمد. گفتار خانم ونساندو از روی فیلم پیاده شد و چون ایشان مطالبشان را از بر می‌گفتند، اندکی ویرایش لازم داشت. این گفتار را از این منبع آوردم که فیلم ملویل جایگاه والایی در سینما دارد و به نظرم آمد دوستان ایران این «نر» را می‌توانند سودمند آید. تمام پانویس‌ها از مترجم است، نیز کلمات عباراتی که داخل کروشه آمده.

درباره‌ی نویسنده

ژان مارسل پرواز، با نام مستعار ورکور، در ۲۶ فوریه‌ی ۱۹۰۲ در پاریس به دنیا آمد. دهم ژوئن ۱۹۹۱ در همین شهر درگذشت. او در اِکول ال‌اِس‌اِن تحصیل کرد و دیپلم مهندسی برق گرفت. ورکور علاقه‌ی بسیاری به نقاشی داشت، از این رو آموزش‌های لازم را دید و به‌طور حرفه‌ای به کار تصاویر و حکاکی پرداخت. او این کار را تا آغاز جنگ جهانی دوم ادامه داد. پیش از جنگ، هنرمند چندان شناخته‌شده‌ای به حساب نمی‌آمد. در همان دوران رفاصله‌ی سال‌های ۱۹۲۵ تا ۱۹۳۹، با نام راستین خود شش کتاب طنز منتشر ساخت. از جمله‌ی این کتاب‌ها می‌توان به *دوزخ و تصاویر تضادینامی جنگ* اشاره کرد. او یک کتاب کمیک استریپ هم نوشت، *تراج‌آف‌ای لاکونیک*، که انتشارات پل هارتمن در ۱۹۳۱ منتشرش کرد و کاملاً نامشایقی متحرک فرانسه نیز در سال ۲۰۰۰ آن را تجدید چاپ کرد.

زندگی ورکور تا آغاز جنگ به همین سیاق گذشت. او پیش از جنگ از خدمت سربازی معاف شده بود، اما با شروع جنگ به ارتش پیوست و در عملیاتی پایش شکست. بدین ترتیب از خدمت معاف شد.

طی دوران نقاهت، روزی دو صفحه از کتابش را می‌نوشت. خودش بعدها گفت این کار را می‌کرده تا مغزش عاقل و باطل نماند.

ورکور پس از معالجه‌ی پایش به نهضت مقاومت پیوست. کار او این بود که اطلاعات و اخبار را به واحد فرانسه‌ی سازمان اطلاعات انگلیس می‌رساند. در این زمان بود که ژان بروله نام مستعار ورکور را برای خود برگزید. ورکور نام فلات کوهستانی بلندی در دامنه‌ی آلپ است. در سال ۱۹۴۴، شمار زیادی از پارتیزان‌های نهضت مقاومت، معروف به «آبی‌ها» در این منطقه به دست نیروهای نازی متشکل از روس‌ها و اوکراینی‌ها قتل‌عام شدند. این‌جا همان منطقه‌ای است که جمهوری آزاد فرانسه آن را جمهوری ورکور نامید تا از حکومت وابسته‌ی ویشی متمایز گردد. به همین دلیل بود که پانزده هزار نیروی نازی از زمین و هوا بدان هجوم آوردند. حدود ۳۵۰۰ پارتیزان را زیر آتش گرفتند. نازی‌ها تمام اهالی یک روستا را نیز، از پیر و جوان و زن و کودک، قتل‌عام کردند و آن را با خاک یکسان ساختند. خلاصه این‌که این منطقه از ابتدا هم سابقه‌ی مبارزه داشت و این تجربه نام ورکور را بی‌منظور برای خود انتخاب نکرده بود. جالب این‌که حتی اسم او نیز از این اسم مستعار خبر نداشت. مأموران نازی ویراستار و دست‌نویس انتشارات نیمه‌شب را شناسایی، دستگیر و اعدام کردند.

در سال ۱۹۴۱ و در دوران اشغال فرانسه، ورکور به اتفاق دوست نویسنده‌اش، پیر دولسکو، و بانو ایوون پاراف انتشارات زیرزمینی نیمه‌شب را بنیان نهادند. هدف این انتشارات نشر آثاری بود که

می‌توانست موجب بالا رفتن روحیه‌ی فرانسویان در آن روزهای دشوار و تاریک شود.

سکوت دریا نخستین کتابی بود که انتشارات نیمه‌شب انتشار داد و در مدت‌هاست که در فرانسه‌ی اشغالی پخش کرد. در پی آن، بروله هرچه می‌نوشت با نام مستعار ورکور و از طریق همین انتشاراتی به دست مردم می‌رساند. حال انتشارات نیمه‌شب بدل به مهم‌ترین ناشر ادبیات مقاومت شده بود و آثار نویسندگان دیگر را نیز همین‌گونه در فرانسه‌ی اشغالی و خارج از کشور به دست مردم می‌رسانید.

سکوت دریا نامی برترین و مهم‌ترین نوشته‌ی ورکور است. کتاب در فرانسه‌ی اشغالی انتشار یافت و به زودی نماد مقاومت روانی فرانسویان در برابر اشغالگران نازی شد.

سکوت دریا در سال ۱۹۴۴ و عنوان اول شمع را بکشم، با برگردان انگلیسی سیریل کانلی، در انگلستان منتشر شد. در ژوئن ۱۹۴۶ هم اقتباسی از آن به زبان انگلیسی در برنامه‌ی شمع‌گویی تلویزیون بی‌بی‌سی، که فعالیت خود را پس از جنگ از سر گرفته بود، پخش شد. این کتاب در سال ۱۹۴۳ در ایالات متحده هم انتشار یافت. تا سال ۱۹۴۸، به هفده زبان گوناگون ترجمه و منتشر شد.

در همین سال ۱۹۴۸، ژان پیر ملویل فیلمی از روی این کتاب ساخت که از آثار درخشان و ماندگار سینمای جهان به شمار می‌رود. فیلم در ایران به خاموشی دریا شهرت یافت، ولی ما عنوان سکوت دریا را برای کتاب مناسب‌تر یافتیم.

از سکوت دریا در طول سالیان اقتباس‌های گوناگونی صورت گرفته است. از جمله می‌توان به اقتباس بی‌بی‌سی در ۱۹۸۱ اشاره کرد. در سال ۱۹۸۵، جان کرایر آن را برای تئاتر تنظیم کرد و گروه هنری جامعه‌ی هی‌وود آن را در تالار پتر ساویس کمبریج روی صحنه برد. عنوان این نمایش طنزی آشکار داشت - گفت‌وگوی شبانه. در سال‌های بعد نیز سکوت دریا بارها دستمایه‌ی فیلم و تئاتر شد.

ورکور پس از جنگ انتشاراتی خود را فروخت، ولی کماکان به نوشتن رمان و رساله ادامه داد. از جمله تعدادی داستان علمی-تخیلی. در سال ۱۹۷۰، باستان‌شناسان سول حیوانات غیرطبیعی شده (۱۹۵۲) فیلم سینمایی دغلاکاران و ناباز، برتر رینولدز و سوزان کلارک ساخته شد. ورکور که به نویسنده‌ی «آثار مشهور شده بود، همچنان به نوشتن نمایشنامه و رساله ادامه داد، اما هیچ‌یک از آثارش توفیق سکوت دریا را پیدا نکرد. او فعالیت خود را به دست‌انریسی محدود نکرد و هر جا احساس می‌کرد حقی ضایع شده، عیب آن را نشان می‌داد. در سال ۱۹۵۷، نشان لژیون دونور خود را، که به پاس خدماتش در راه آزادی به او اعطا شده بود، برای رئیس‌جمهور فرانسه پس فرستاد. دلیلی که برای این کار اقامه کرد بدرفتاری نظامیان فرانسه در الجزایر و حشیانه‌ی بی‌گناهان الجزایری بود. ورکور معتقد بود اعمالی از این دست آبرو و شرف فرانسه را خدشه‌دار می‌سازد. او پیش‌تر، طی سفری به الجزایر، همه‌ی این‌ها را دیده و به خشم آمده بود.

در ژانویه ۱۹۷۳، وقتی ریچارد نیکسون نتوانست سربازان

امریکایی را از منجلاب ویتنام، که اسباب بدنامی کشورش در جهان شده بود، بیرون بکشد، ورکور مقاله‌ای در روزنامه‌ی لوموند نوشت که بعدها در نیویورک تایمز هم به چاپ رسید. او در مقاله‌اش پرسشی را مطرح ساخته بود: «به‌راستی چه تفاوتی هست میان نابودی [شهر] گرنیکا [در اسپانیا] زیر آتش جنگنده‌های هیتلر و ویرانی هانوی به دست جنگنده‌های آقای نیکسون؟» او در این مقاله نوشته که سایه‌ی بیرون‌روایی یک نبر سر همه‌ی کسانی که تلاشی برای متوقف نکردن او نکردند سنگین خواهد کرد.

آثار ورکور در ایالات متحده هم هواخواهان بسیاری داشت. از جمله می‌توان به رمان سیلوا (۱۹۶۱) اشاره کرد که مثل بسیاری دیگر از آثارش به قلم همسرش، ریچارد رابینسون، به انگلیسی ترجمه شده بود. ورکور سیلوا را تحت تأثیر کتاب یوید گزنت، بانویی که روباه شد، نوشت. سیلوا، برعکس رمان گزنت، حکایت مردی را می‌گوید که تبدیل به زن می‌شود. این کتاب در ایالات متحده بیش از سایر آثار ورکور توفیق یافت. منتقد نیویورک تایمز آن را «رمانی دلفریب و درخشان» توصیف کرد. روزنامه‌ی لوموند هم این رمان را ستود و نوشت: «آنچه کتاب را جذاب می‌کند این است که نوشته‌ای فلسفی با ماهیتی داستانی است.» سیلوا در سال ۱۹۶۳ نامزد جایزه‌ی هوگو برای بهترین رمان هم شد.

ورکور در سال ۱۹۸۵ دست‌به‌کار خلق یک رمان تاریخی شد: آن بولین که داستان شخصیتی به همین نام است. قهرمان این کتاب در فکر ازدواج با هنری هشتم، پادشاه انگلستان، است تا بدین واسطه

این کشور را از زیر سلطه‌ی پاپ به در آورد و به آن استقلال و اقتدار بخشید.

از دیگر آثار ورکور می‌توان به یاغی‌ها نیز اشاره کرد که به موضوع نامیرایی می‌پردازد.

الآن حال، چنان‌که اشاره شد، سکوت دریا ماندگارترین و مهیورترین کتاب ورکور به شمار می‌آید.

مقدمه‌ی ناشر انگلیسی^۱

سه سال و چند هفته گذشت. بیش از سه سال است که نماد فرانسه... سکوت بوده. سکوت توده‌هایش، سکوت ساکنان خانه‌هایش، سکوت در برابر رژه‌ی ظهر گاهی پیش آلمان در خیابان شانزه‌لیزه، سکوت به سبب سکنی دادن یک سرآتش‌نشان در اتاق مجاور، سکوت از این رو که گشتاپو زیر تختخواب نل هر یک فون کار گذاشته است، سکوت چون کودکان جرأت نمی‌کنند گریه کنند، چون گروگان‌هایی که پیکرشان هر شامگاه بر خاک می‌افتد یک روز عزای ملی دیگر را رقم می‌زنند.

و نیز قفل سکوت به اندیشه‌مان، سکوت اجباری آریستدگان به سبب محروم شدن از حق ابراز عقیده، سکوت در برابر... ملت‌هایی که در دایره‌ی این دیواری که آلمان به دریا حرد اروپا کشیده زندگی نکرده‌اند، ابعاد رنجی را که باید تحمل کرده‌اند.

۱. آنچه در این جا می‌آید مقدمه‌ی ترجمه‌ی انگلیسی کتاب سکوت دریاست که در سال ۱۹۴۴، دو سال پس از انتشار کتاب ورکور، در انتشارات مک‌میلان نیویورک به چاپ رسید. با توجه به اهمیت تاریخی این مقدمه، بد ندیدیم آن را در کتاب حاضر بیاوریم.

درتخواهند یافت. تنها کافیست بدانند انسان‌ها جان خود را نثار می‌کنند تا در این دیوار رخنه‌ای سازند.

اگر زمانی که در فرانسه بودم به من می‌گفتند کسانی بر آنند تا کتاب‌های نوشته‌شده در فرانسه‌ی دربند را تحت عنوان «کتابچه‌های سکوت» در لندن منتشر کنند، بی‌گمان آن را موهبتی شگفت‌انگیز می‌دانستند. می‌رفت تا بنیاد حصار زندان ما را سست کند.

در آنجا، چنان وحشت‌زده بودیم که تفکر فرانسه از دور دست همچون گرم باغری به نظر می‌آمد که آرام‌آرام در سایه آب می‌رفت و کوچک می‌شد. در این رو سیقاً رنج می‌بریم، چرا که برای نخستین بار در طول قرون و اعصار می‌بینیم که فرانسه در این تبادل عظیم ارزش‌های انسانی جایی ندارد!

ادبیات ما را به اختناق کشیده‌اند، اما همچنان حی و حاضر است، و به‌رغم فشار اختناق، دربند نیست.

تنها مثنی نویسنده، احتمالاً صد نویسنده‌ی مزدور فرانسوی که پیش‌تر کسی آن‌ها را نمی‌شناخت، برای انجام کارش دست به خدمت دشمن درآمده‌اند.

حال اگر کسی به خود زحمت دهد و به یاد آورد که در فرانسه دست‌کم یکصد نویسنده‌ی فوق‌العاده نامدار و پانصد نویسنده‌ی شناخته‌شده وجود دارد، آن‌گاه درخواهد یافت که قلمزنان مزدور چه بخش کوچکی را تشکیل می‌دهند. آن‌ها نماینده‌ی همان ده درصد سفلگی نهان در وجود هر یک از ما هستند، و این خود کم‌ترین

میزان موجود در هر جامعه‌ی بشری به شمار می‌رود.

این یک مشت نویسنده سه سال آزرگار همه‌ی امکانات تبلیغاتی را در انحصار خود داشته‌اند. آن‌ها با جار و جنجال کوشیده‌اند خود را بسر پرشمار جلوه دهند.

فرانسه چنان یکپارچه بدان‌ها پشت کرده است که در یولا روشل، سردبسی از ما به ناچار نوشت: «تقریباً تمام جامعه‌ی اندیشه‌ورزان، تقریباً کل روح‌فشانان فرانسه، علیه ماست.»

بیش از این نیازی به گفتن نیست؛ این جماعت زیر سنگینی تحقیر ما محو خواهند شد، سخاوتشان حتی ما را خشنود و شادمان هم نخواهد ساخت.

در طول این دوران، همین تعداد نویسندگان ما - از جمله شماری از بهترین ایشان مثل برنانوس و ماریتن - آزادی بیان فرانسه را در تبعید پاس داشته‌اند و بی آن‌که این کشور از نوشته‌های ایشان آگاه باشد قلم زده‌اند. با این حال، هم‌اکنون مردم فرانسه در بیان و برنانوس را پاسداران شرف فرانسه می‌دانند و غالباً، ولو به جهت در نهان، صحبت ایشان را به میان می‌آورند.

درباره‌ی دیگران، همه‌ی آن دیگران، سخت و اهامه دارم که در هر یک چگونه کار می‌کنند: از برخی اشخاص با عظمت نمی‌توان نام برد. درباره‌شان سخن گفتم، زیرا بیم آن می‌رود که دشمن به حریم ایشان راه یابد.

من از هیچ‌کس نام نخواهم برد. نام بردن از هر کس در این جا

بدین معناست که انسانی در آن‌جا به زندان خواهد افتاد یا زندگی‌اش بر باد خواهد رفت. اما باید دانست که سیاهه‌ی این نام‌ها بلند است.

نخست آن‌که برخی از اشخاص سوگند یاد کرده‌اند تا روزی که کشور در اشغال بیگانه است، حتی جمله‌ای در جایی به چاپ نرسانند، و مانند آن مرد سالخورده‌ی کتاب سکوت دریا که خواهید خواند، در صورت دشمن سکوت کنند. آن‌ها از هرگونه سازش یا تخفیف‌دادن به دشمن سر باز زدند؛ از میان آن‌ها، کسانی که تنها ممر در آمدشان نشر کتاب بوده دچار فقر فاقه‌ی سختی شده‌اند.

کهولت و برخی از آن دیگران را می‌فریبد تا پیش از فرارسیدن غروب عمر، از تنه‌ی لذت‌های آینده‌ی زندگی خود کام گیرند و چاپ آخرین اثرشان را به چشم بستن بگذارند. همه‌ی آن‌ها، برای دل خوردنشان و به امید آینده، کار نوشتن را در خفا ادامه می‌دهند. آن‌ها با حقیقت و جرأتی نویسنده‌ی زندگی می‌کنند. آثار این نویسندگان سکوت بی‌گمان گواهی‌دهنده‌ی خوبی برای آیندگان خواهد بود.

اما سایر نویسندگان سکوت باز هم همان‌ها هستند که سه سال تمام، درست زیر بینی دشمن، علیه تعدی و ستم، علیه برد زادی، علیه کشتار جمعی بی‌گناهان، علیه سفلیگی و علیه خیانت ستراض کردند. همان‌ها بودند که افکارشان را چنان آبدیده کردند که هر عبارت نوشته‌شان مفاهیم دوپهلویی را در بر می‌گرفت، هر مرثیه‌ای که می‌سرودند دعوتی نهفته بود به برگرفتن سلاح، نوشته‌هایشان سرشار

از نیش و کنایه بود و دامی برای دشمن. می‌نوشتند تا ناگفته‌ها کاری‌تر از گفته‌ها باشد.

و این کار باید در نهایت چیره‌دستی انجام می‌پذیرفت. مهارت از این بنا به موقعیت و شرایط پدید آمد و این تنها برای مردانی امکان‌پذیر بود که پشت سر خود ادبیات هزار ساله‌ای داشتند هم‌اورد هر حرکت تاریخی.

سخت‌ترین حاکم غالباً کور و تنگ‌نظر بود، اما نتوانست مردم را بفریزد. بسیاری از نام‌آورترین نویسندگان خوش‌قریحه به سراغ نقد ادبی رفتند و آن را انجمنی برای ستیز با آلمانی‌ها قرار دادند. بسیاری از جوانان اهل قلم شعر غریبی را در دفتر طغیان و سرکشی خود ساختند. شاید تولد دوباره‌ی شعر در فرانسه، پس از شعله‌کشیدن آتش جنگ، صرفاً به همین دلیل بوده باشد. واژه‌ها در شعر از تصاویر و مفاهیم اثرگذاری برخوردارند که در کشان به این آنان که میراث‌دار فرهیختگی در زبان نیستند ممکن نیست. دشمنان برای شعر سلاحی نداشت.

مهم‌ترین و ارجمندترین «نویسندگان سکوت» کسانی هستند که در جنبش زیرزمینی مبارزه می‌کنند، دوشادوش پارتیزان ادبی در خاک، خودشان می‌جنگند، کارگران کارخانه که کارشکنی می‌کنند و رهبرانی که برای روز قیام عمومی به تجهیز و آماده‌سازی ارتش مشغولند. این سلحشوران نیز از روزنامه‌نگاران، اهل ادب و فیلسوفان پشتیبانی می‌کنند.

من نویسنده‌گانی را دیده‌ام که تحت تعقیب بوده‌اند، که باید پیوسته خانه به خانه نهان می‌شدند، که باید دستنوشته‌هایشان را پنهان می‌کردند، پشت حفاظ پنجره‌ای، در جعبه‌ی جواهرات بانویی، یا در تاقچه‌ی اتاق کثیفی. حتی گاه آن‌ها را در شکاف دیوار خانه‌ی روستایی گل‌اندودی مخفی می‌کردند و ای بسا که هرگز باز نمی‌یافتندشان. من روزنامه‌های پیش‌زمینی را دیده‌ام که در سردابه‌ها چاپ می‌شد و برخی‌شان صرفاً به ادبانت پرداخت.

اما زمان می‌گذرد برای اثبات گفته‌هایم به مدرک کوبنده‌ای چون سکوت برخیزم.

هر کس این کتاب را می‌خواند، باید از وقایع تاریخی مربوطه و آنچه در این کتاب تشریح شده، بریر روشنی داشته باشد. تصادفی نیست سکوت دریا نخستین اثر مجموعه‌ی «کتابچه‌های سکوت» است. یک سازمان انتشاراتی زیرزمینی که خود را انتشارات نیمه‌شب می‌نامد، چند ماه پیش این کتاب را با عنوان *Le Silence de la mer* در فرانسه منتشر کرد.

نویسنده که هویت واقعی خود را پشت نام ورنر پنهان ساخته، شاید در اصل نویسنده‌ی مشهوری باشد؛ چه باشد چه نباشد. این گمان نویسنده‌ی بزرگی است. اما او، با نوشتن این نوول، زندگی خود را به خطر انداخته است.

جان آن مرد فرانسوی هم که امکان چاپ کتاب را فراهم آورده در خطر است. او در زمانه‌ای که حتی انتشاراتی‌های بهره‌مند از پشتیبانی

دولتی نیز نمی‌توانند کاغذی برای چاپ پیدا کنند، توانسته است برای این کتاب کاغذ کافی تهیه کند. حتی ماشین‌نویس‌ها، و زنی که اوراق کتاب را به هم دوخته، نیز جانشان در خطر است. آن‌ها بی‌وقفه کار می‌کرده‌اند، درحالی‌که دشمن با چکمه‌های سیاه در خیابان بالای سرشان قدم‌رو می‌رفت.

اما گذشته از هر چیز، و البته مهم‌تر از هر چیز، این اثر یک شاهکار است...

«کتابچه‌ی «کوت» به‌رغم بیست نوع پلیس، یک لشکر کامل تا بن دندان مسلح و کارساز از دل مخوف‌ترین اسارتگاه‌ها همچون شهادتنامه‌ای به دست ما می‌رسد. در این میان، انتشارات نیمه‌شب واپسین کتاب ماریتن را نیز در دست چاپ دارد. این کتاب هم از راه‌های ناامن و پرخطر به دست ایشان رسیده است.

نه، نه! این ملتی نیست که ارج و مقام خود را باخته باشد، ملتی نیست که میدان را خالی کرده باشد؛ ملتی است که می‌داند، با هر پایگاه اجتماعی، آماده‌اند تا در راه پاسداری از سخن و اندیشه‌ی کتویشان، آزادی و جان خویش را فدا کنند. بیایید صفاتی را که اهرامین به فرانسه نسبت می‌دهد در وصف سرزمینی به کار نگیریم که خاکش در برابر اعتلای روح از خون رنگین می‌گردد.

فرانسه هرگز و انداده است؛ و اکنون عظمتی را که به نظر می‌رسید باخته، دیگر بار احیا می‌کند.

فراموش نمی‌کنم کشاورزان چند روز پیش چگونه غلتک‌های

عظیم آهنین را در سراسر مزارع ذرت بهاری می‌غلطانیدند.
 آن‌ها که از کار کشاورزی چیزی نمی‌دانند، می‌پندارند این کار
 قلمه‌های ذرت را در اعماق خاک له خواهد کرد و زمین در آینده
 محصولی نخواهد داد.

اما روستاییان ناحیه‌ی ما، که این کار هر سالشان است، خواهند
 گفت: «این کار ریشه‌های ذرت را عمیق‌تر در خاک می‌نشانند و اسباب
 تقویت قلمه‌ها می‌شود.»

زنجیر تاک‌ها، تاسر فرانسه را کوبیده است...
 حال، پس از تخریب سرگینگی فاجعه‌ای که به سر ما آمده، و پس از
 تحمل سنگینی سکوت‌مان، ذرت چه بلند، و استوار قد بر خواهد افراشت.